

۵۰۰ ثانیه تا فضایی از پرتاب ماهواره نور ۳



حسین جوین

دانشجوی مهندسی
راه آهن، گرایش
مکانیک دانشگاه
علم و صنعت

”

نکات امنیتی را
برایمان توضیح
دادند. بدون
مقدمه گفتند باید
صبح اول وقت
برویم فرودگاه!
شوکه شدیم.
تا قبلش فکر
می کردیم فقط
قرار است ماهواره
رونمایی شود.
غافل از اینکه قرار
بود شاهد عملیات
پرتاب ماهواره
باشیم

حوالی ساعت ۹ شب سه شنبه بود که جشن امامت امام زمان (عج) در مقبره شهدای علم و صنعت تمام شد. با امیر حسین و محمد و بچه های دیگر تاکسی گرفتیم و به سمت محل مقرر رفتیم تا شام راز دست ندهیم. شام رادر سلف خوردیم.

شب باید آنجای خوابیدیم. از یک راهروی تو در توی عجیب رد شدیم و بالا خره به خوابگاه رسیدیم.

با دانشجویان دانشگاه های دیگر جمع شدیم و نکات امنیتی را برایمان توضیح دادند. بدون مقدمه گفتند باید صبح اول وقت برویم فرودگاه! شوکه شدیم. تا قبلش فکر می کردیم فقط قرار است ماهواره رونمایی شود. غافل از اینکه قرار بود شاهد عملیات پرتاب ماهواره باشیم. خیلی خوشحال شدیم.

بعد از توضیحات امنیتی، یکی از فارغ التحصیلان دانشگاه علم و صنعت شروع به صحبت کرد. درباره اینکه چرا قرار است دانشجویها را ببریم و این قضیه از کجا شروع شده است، توضیحاتی ارائه داد. جریان از این قرار بود که سال ۹۵ چند نفر دغدغه مند از دانشکده راه آهن علم و صنعت عزم شان را جزم کردند و تصمیم گرفتند دستاورد های جمهوری اسلامی ایران را به عموم دانشجویان نشان دهند و برای نمایش حقیقت پیشرفت عظیم کشور و افزایش انگیزه دانشجویان اردویی برگزار کنند.

حدود ۵۰ نفر راهی بندرعباس می شوند ولی هر شرکتی می رفتند، دستاورد و محصول اصلی را از نزدیک نشان نمی دادند و قصد داشتند به ارائه در سالن جلسات بسنده کنند، یا بدتر از آن اصلاً اجازه ورود نمی دادند. با پافشاری و مکاتبه با مسئولان، در اردوهای بعدی مشکل را حل کردند و بعد از آن، اردوهای «توقف ممنوع» و «مسیر روشن» علم و صنعت سر آغاز اردوی «راهیان پیشرفت» در سراسر کشور شد.

حالا آن روز ما آنجا بودیم تا در ادامه همان اهداف برای اولین بار از یکی از پیشرفته ترین تکنولوژی های ایران بازدید کنیم که ان شاء الله شروع حرکات بزرگ بعدی باشد.

بعد از اتمام سخنان ایشان، حدود ساعت یک نصف شب بود که خوابیدیم و صبح با شیپنت زنگ های خاص بچه ها بیدار شدیم. از آن مسیر عجیبی که دیشب آمده بودیم، گذشتیم و راهی فرودگاه شدیم.

چند نفر از بچه ها استرس داشتند و زیر لب دعا می خواندند. حدود ۱۵ نفر دانشجویان استاد پای هواپیمای نظامی ایلوشین رسیدیم. هواپیمای شبیه هواپیمای فیلم «به وقت شام» بود. امیر حسین دقیق درباره مدل و اطلاعات فنی هواپیما توضیح می داد. پرسیدم: کلک این اطلاعات را از کجا آورده ای؟ گفت: کارآموزی اینجا بودم.

صندلی های مسافری رو به روی هم، چهار ردیف پایین و دور دید